
تعهدات دولت ایران به حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده والدین با تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک

* علی بابایی مهر*

مرجان سادات موذن زاده

دیباچه

کودکان طی قرون متمادی در معرض اعمال خشونت از سوی بزرگسالان بوده‌اند و این خشونت عمیقاً قابل رویت نبوده و یا در مورد آن صحبت نمی‌شده است. در دنیای امروز که مقیاس و میزان تاثیر انواع خشونت علیه کودکان شناخته شده تر است، باید کودکان را تحت حمایت‌ها و حفاظت موثر قرار داد؛ چرا که برخورداری از این حمایت‌ها حق مسلم و غیرقابل انکار آنان است. از سوی دیگر، واقعیات موجود در

* دکتر علی بابایی مهر، استادیار گروه حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس است. (gatbabayee@yahoo.com)

**مرجان سادات موذن زاده، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس است. (ms-moazenzadeh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۰
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۴-۷۷.

پهنه گیتی نشان از آن دارد که به‌رغم اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تاسیس نهادها و سازمان‌های مختلف در تحقق حقوق کودکان و علی‌رغم هزینه‌های قابل توجه مربوط به این سازمان‌ها، هنوز، اطفال بیشماری در اطراف جهان، به طرق مختلف از سوی والدین مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. در این تحقیق به بررسی ابعاد مختلف تعهدات دولت ایران بر اساس کنوانسیون و مکانیزم اجرائی آن پرداخته خواهد شد. لذا ماهیت تعهد و شرایط آن نسبت به دولت، همچنین ضمانت اجراها و نهادهای نظارتی در اجرای تعهدات براساس کنوانسیون حقوق کودک و نیز مقررات ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین زمینه این سوال اساسی مطرح می‌شود: آیا تعهدات مقرر در کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با جلوگیری از سوءاستفاده کودک توسط والدین به ویژه ماده ۱۹ موثر است؟ و آیا مکانیزم موثری در اجرای تعهدات دولت ایران در رابطه با این موضوع به موجب کنوانسیون و نیز مقررات داخلی پیش‌بینی شده است؟

با پیشرفت تکنولوژی و شکاف طبقاتی میان جامعه، متأسفانه همچنان از کودکان سوءاستفاده می‌شود و این روند در حال رشد است. هر روز در رسانه‌ها شنیده می‌شود که در گوشه و کنار کشور کودکی، مورد آزار قرار گرفته که در برخی از موارد، این مسئله توسط اولیای آن کودک انجام یافته است. برای اینکه بتوان از مسایلی چنین دردناک در جامعه جلوگیری نمود، می‌بایست در مورد آن مسئله، در حوزه‌های مختلف از جمله تعهد دولت‌ها و مکانیزم اجرای آن در حمایت از کودک تحقیقات گسترده‌ای انجام گیرد تا بدین طریق بتوان آن اطلاعات را اولاً در میان جامعه پراکند و به همه آگاهی داد و از سوی دیگر با تحقیق و تفحص و ارایه راه حل‌های شایسته در جهت جلوگیری از سوءاستفاده از کودک برآمد. بنابراین اهداف پژوهش حاضر شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. تبیین مفهوم سوءاستفاده والدین و مکانیزم جلوگیری از آن از منظر کنوانسیون حقوق کودک؛
۲. بررسی مکانیزم‌های حمایتی (ضمانت اجرائی و نهادهای نظارتی) در اجرای تعهد دولت ایران نسبت به جلوگیری از سوءاستفاده والدین در نظام داخلی منطبق با کنوانسیون حقوق کودک.

لذا با توجه به مطالب فوق، این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با مرور کتابخانه‌ای

و مراجعه به منابع معتبر، به تبیین و بررسی تعهدات دولت ایران به حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده والدین براساس کنوانسیون حقوق کودک می‌پردازد.

مبحث نخست: ترمینولوژی تحقیق

گفتار یکم: تعهد دولت در رابطه با حمایت از کودک

وسعت به‌کارگیری اطفال در جهان امروز (چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی) موجب شده است تا جلوگیری از استثمار کودکان به یکی از مهم‌ترین ابعاد حمایت از حقوق کودک مبدل گردد. این امر سبب تصویب کنوانسیون‌ها و مقوله‌نامه‌هایی مانند: تصویب کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹م. سازمان ملل متحد، کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک مصوب ۱۹۹۹م. سازمان بین‌المللی کار، همچنین تصویب برنامه IPEC (برنامه بین‌المللی ریشه کنی و حذف کار کودک) در همین سازمان ILO، شده است.

کنوانسیون حقوق کودک در بسیاری از مفاد خود بر نیاز کودکان به حمایت تأکید می‌کند. کنوانسیون همچنین اشعار می‌دارد که بر مبنای نگرش جدید، حمایت، دیگر نوعی لطف، حسن نیت و خیرخواهی نیست که بزرگسال در حق کودک روا می‌دارد، بلکه حق اوست. طبق کنوانسیون، دولت‌های عضو قبل از هر کس موظف به حمایت از حقوق کودکان هستند (کپ لاره، و گران ژان، ۱۳۸۳، ص ۱۵). در حدود ۱۳ ماده از ۵۴ ماده کنوانسیون حقوق کودک به صورت مستقیم به وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال کودکان پرداخته است، همچنین در ۳۰ ماده دیگر هرچند مستقیماً به نقش والدین و سایر نهادها پرداخته است، ولی در واقع این ماده‌ها هم تأکیدی بوده است بر نقش دولت‌ها در ایجاد شرایط مطلوب برای نهادهای مختلف در راستای مراقبت و پرورش مناسب کودکان. لذا آنجا که در حدود ۴۳ ماده از کنوانسیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش دولت در این زمینه پرداخته است، خود نشانگر اهمیت دولت در اجرای این کنوانسیون می‌باشد.

از سوی دیگر تعهد دولت‌ها در راستای حقوق بین‌الملل، به دو دسته تقسیم

می‌شود:

الف) تعهدات عام‌الشمول^۱: تعهداتی که یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی در کل بر عهده دارد و به دلیل ماهیت این تعهدات، مرتبط با تمامی دولت‌ها هستند. لذا با توجه به حقوق مزبور، تمامی دولت‌ها در حمایت از آن‌ها دارای نفع حقوقی هستند.

ب) تعهدات خاص^۲: تعهدات دولت در برابر هر دولت دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک را گویند. که خود به تعهدات چندجانبه و تعهدات دو جانبه تقسیم می‌شود (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان متحد، ۱۳۸۹: ص ۲۸).

لذا دولت جمهوری اسلامی ایران که از ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضاء کرد (آقا بیگلویی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰) و از اسفند سال ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گردید، نیز متعهد به رعایت حقوق کودک است. اما از سوی دیگر، الحاق مذکور مشروط بر آن است که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد (عبادی، ۱۳۷۶: ۳۵). دولت جمهوری اسلامی ایران و مجموعه حاکمیت کشور مانند دیگر کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، از دو جهت (از یک سو برای تداوم سیاسی و مشروعیت و از سوی دیگر برای انجام تعهداتی که به واسطه حقوق داخلی- و عمدتاً قانون اساسی- و خصوصاً حقوق بین‌الملل پذیرفته است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۵۲) موظف و متعهد به رعایت حقوق کودک شده است. بند ۶ اصل دوم و نیز اصل سوم قانون اساسی و همچنین فصل سوم این سند ملی درباره حقوق ملت، بخش اصلی تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس حقوق داخلی است.

براساس مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشری، تعهدات دولت‌ها در دو قالب عمده معنا می‌یابند: یکی تعهد در اجرا؛ یعنی دولت‌ها ملزمند در قلمرو خود مفاد این معاهدات را اجرا نمایند. ماده ۹ قانون مدنی مقرر داشته است که مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. با توجه به این ماده، قاعده شرعی و عقلی «المؤمنون عند شروطهم» و اصل

1. Erga Omnes Obligations

2. Ad hoc

وفای به عهد در حقوق بین‌الملل، ایران نیز متعهد به اجرای کامل همه معاهداتی است که پذیرفته است. دوم تعهد در دادن گزارش است که در همه کنوانسیون‌های حقوق بشر، کم و بیش در نظر گرفته شده است و بر اساس آن دولت‌ها معمولاً ملزم می‌شوند تا در دوره‌های زمانی معینی درباره چگونگی اجرای مفاد کنوانسیون به نهاد یا کمیته ناظری که در کنوانسیون مشخص شده است، ارائه دهند (Jacobsen, et al, 2003, 284)

بند یک: منبع و مبانی تعهد دولت در حمایت از کودک

(۱) منبع تعهد

متأسفانه در معاهدات یا قراردادهای پیش از کنوانسیون حقوق کودک، اشاره‌ای به سوءاستفاده از کودک نشده، اما به طور کلی به حقوق و امنیت آنها در اسناد مختلف اشاره گشته است که مهم‌ترین آنها شامل موارد ذیل می‌گردند:

الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر: از آنجایی که در این اعلامیه، حق کلیه افراد در برخورداری از حقوق مندرج در آن شناسایی شده است، می‌توان گفت که کلیه کودکان، بدون تبعیض مشمول این اعلامیه می‌باشند. علاوه بر این، ماده ۲۵ به صورت مستقیم به کودکان اشاره دارد و طبق بند ۲ آن، مادران و کودکان حق برخورداری از کمک و مراقبت‌های ویژه را دارند و همه کودکان اعم از آن که ثمره ازدواج باشند یا بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق برخورداری از حمایت اجتماعی یکسان را دارند (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

ب) کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن: بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی، به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح و مشارکت آنها در درگیری‌ها را منع کرده است و مطابق بند ۴ ماده فوق‌الذکر نیز، هرگاه کودکان به دلایل مربوط به مخاصمه مسلحانه، دستگیر یا بازداشت شده یا تحت نظر قرار گیرند، باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند و همچنین طبق بند ج قسمت سوم ماده ۴ پروتکل الحاقی، علاوه بر ممنوعیت به عنوان پیام‌رسان، به عنوان آشپز یا خدمتکار نیز منع شده است (همان: ۱۳۳).

ج) اعلامیه جهانی حقوق کودک: از حقوق مورد اشاره در این اعلامیه، حق بهره

مندی از امنیت اجتماعی، آموزش و پرورش، برخورداری از حمایت و تسهیلات تحت هر شرایطی می‌باشد. یکی از اصول آن ناظر به حمایت از کودکان در قبال پدیده کودک آزاری می‌باشد (همان: ۱۳۴).

د) پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: این پیمان‌نامه ضمن تأکید بر برابری و برخورداری کلیه افراد از حقوق بشر بر حقوق کودکان تأکید کرده و مقرر می‌دارد: ۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ جنس، زبان، اصل و منشا ملی، اجتماعی، مکتب یا نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده و جامعه باید به عمل آید، برخوردار گردد. ۲- ولادت هر کودکی باید بلافاصله به ثبت برسد و کودک دارای نامی شود. ۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد (ماده ۲۴). آموزش اجباری و رایگان و آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان در انتخاب مدرسه برای کودکان از جمله حقوق مقرر در پیمان‌نامه در مورد کودکان است (قسمت الف، بند ۲ و بند ۳ ماده ۱۳) (همان: ۱۳۵).

ه) پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: در بند ۳ ماده ۱۰ این پیمان‌نامه به اتخاذ تدابیر خاص در جهت حمایت از کلیه اطفال ممیز و غیرممیز، بدون هیچ‌گونه تبعیض، در برابر استثمار اقتصادی و اجتماعی و واداشتن آنها به کارهایی که خلاف اخلاقیات و مضر به سلامتی آنهاست، اشاره شده و این‌گونه افعال را قابل مجازات اعلام نموده است (همان: ۱۳۶).

و) اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی: در مواد ۱۱ و ۱۲ و ۲۲ بر حمایت از حقوق مادران و کودکان و آرایه خدمات رفاهی به مادران باردار، اتخاذ اقدامات مقتضی جهت بازپروری روحی و جسمی معلولین (به ویژه کودکان و نوجوانان)، ایجاد تسهیلات خاص جهت مراقبت از کودکان تأکید نموده است. همچنین حمایت از خانواده به عنوان واحد اساسی جامعه و محیط طبیعی رشد و رفاه تمام اعضای آن، به ویژه کودکان و نوجوانان در ماده ۴ این اعلامیه مورد تأکید قرار گرفته است (همان: ۱۳۷).

مبانی تعهد

سازوکارهای مبتنی بر معاهده عبارت از نهادهایی هستند که معاهدات بین‌المللی حقوق بشری آنها را ایجاد کرده‌اند و سازوکارهای خارج از معاهدات - شامل گزارشگران

ویژه، نمایندگان، کارشناسان و گروه‌های کاری ملل متحد- از آن جهت برقرار شده‌اند تا مطابقت با اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشری را از سوی ملت‌ها و افراد نظارت کرده و در خصوص سوءاستفاده‌های انتسابی حقوق بشری تحقیق نمایند.

به منظور اجرای تعهدات مبتنی بر معاهده در سطح ملی، نهادهای مبتنی بر معاهده گزارش‌هایی که از سوی دولت‌های عضو ارسال شده است را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. هر ساله این نهادها با حدود ۱۰۰ حکومت ملی گفت‌وگو کرده و نهایتاً ملاحظات استتجایی، تفاسیر خود از وضعیت کشورها و همچنین پیشنهادات و توصیه‌هایی که می‌توانند برای بهبود وضعیت موجود در آن کشورها داشته باشند را صادر می‌نمایند. به علاوه کمیته‌ها از این حق برخوردارند تا اعلام برخی از افراد (به عنوان یک شخص و نه نماینده دولت) را استماع کرده و بررسی نمایند (مصباحی، ۱۳۸۶).

بند دوم: حمایت از کودک

حمایت از کودک دارای انواع مختلفی است، که به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شود. حمایت عاطفی، حمایت کاربردی و ابزاری و حمایت اطلاعاتی.

حمایت عاطفی: چنین حمایتی غالباً به شکل غیرملموس است و کمک می‌کند که حس ارزش در افراد تقویت شود.

حمایت کاربردی: نوعی از پشتیبانی است که به انواع مختلف از کمک‌های ملموس که ممکن است توسط دیگران فراهم شود اشاره دارد مانند کمک در نگهداری بچه‌ها یا پرداخت کمک هزینه نقدی و...

حمایت اطلاعاتی: پشتیبانی اطلاعاتی نشان‌دهنده نوع سوم حمایت که گاهی اوقات در رده‌بندی شامل پشتیبانی عملی و گاهی درون دسته حمایت عاطفی است، اشاره به کمکی دارد که دیگران ممکن است از طریق رایحه اطلاعات ارائه دهند (منتظری، ۱۳۸۹).

اما کنوانسیون حقوق کودک در این رابطه چه موادی را ارائه نموده است: در ماده ۱۹ بخش اول کنوانسیون حقوق کودک آمده است: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت-های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء

استفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار من جمله سوءاستفاده‌های جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد. ۲- این گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم آوردن حمایت‌های لازمه از کودک و کسانی که مسئول مراقبت از وی می‌باشند و نیز حمایت در برابر سایر اشکال محدودیت‌ها و نیز برای شناسایی گزارش، رجوع، تحقیق، رفتار و پیگیری موارد بدرفتاری‌هایی که قبلاً ذکر شده و نیز برای درگیری‌های قضایی باشد.

همچنین مواد ۲۵، ۲۷، ۳۱ تا ۳۴ و ۳۹ کنوانسیون، حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از حمایت‌های جسمی، ذهنی و روحی و اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسند و کشورهای طرف کنوانسیون را موظف می‌داند «تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودکی که قربانی بی‌توجهی، استثمار، سوءاستفاده، شکنجه یا سایر اشکال رفتاری یا تنبیه خشونت‌آمیز، غیرانسانی و تحقیرکننده یا جنگ بوده است»، به عمل آورند.

گفتار دوم: سوءاستفاده والدین از کودک

بند یک: کودک

علماء حقوق ذیل کلمه صغیر می‌گویند: پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۳۵۲). همچنین ذیل واژه بلوغ می‌نویسند: سن بلوغ و رشد با پیدایش یکی از پنج وضعیت برای طفل حاصل می‌شود که عبارت از روئیدن موی در بعضی قسمت‌های بدن، (در صورت، زیر بغل و اطراف آلت)، احتلام در پسران، حیض در دختران، رسیدن به سن ۹ سال تمام در دختران و ۱۵ سال تمام در پسران، و استعداد بارور شدن دختران خواهد بود (همان، ج ۲: ۸۸۲). اگر این ویژگی‌ها در کسی به منصفه ظهور و مشاهده نرسد کودک است و گرنه نوجوان یا جوان خواهد بود.

فقها هم در بخش‌های وسیع از فقه به تناسب بحث، به تعریف کودک پرداخته‌اند. از بین فرق اسلامی اهل سنت شافعیه و حنابله سن بلوغ را در زن و مرد ۱۵ سال و مالکیه ۱۷ سال گفته‌اند. حنفیه بلوغ پسر را در ۱۸ سالگی و در دختر ۱۷ سال ذکر نموده است. فقه امامیه غالباً سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری دانسته‌اند. اگرچه برخی از متأخرین شیعه بلوغ دختران را در ۱۳ سالگی هم محقق شمرده‌اند (حجتی اشرفی، ۱۳۸۱: ۱۷).

کنوانسیون حقوق کودک، کودک را چنین تعریف کرده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، کمتر از سن بلوغ باشد». دولت جمهوری اسلامی ایران هم به هنگام امضاء در ۵ سپتامبر ۱۹۹۱ و هم به هنگام تصویب در ۱۹۹۳، یک حق شرط کلی بر کنوانسیون حقوق کودک وارد کرده و اعلام داشته است: کنوانسیون را با این شرط که هریک از مواد و مقررات آن با مقررات اسلامی و قوانین داخلی مغایر بود به آن ملتزم نباشد و عمل نکند، تصویب می‌نماید (مهرپور، ۱۳۷۷: ۴۱۴). لذا کودکان از نظر حقوق ایران به سه گروه تقسیم می‌گردند:

۱- گروه اول کودکان تا هفت ساله می‌باشند که به جهت نداشتن قوه تشخیص کاملاً فاقد مسئولیت کیفری و مدنی هستند و اعمال حقوقی آنها اعم از مالی و غیرمالی باطل است.

۲- کودکان بالاتر از ۷ سال تا سن بلوغ که از نظر جزایی، مسئولیت در صورت ارتکاب جرم را ندارند، ولی تأدیب خواهند شد و از حیث مدنی نیز مسئولیت ندارند و اعمال حقوقی آنها در امور مالی فقط در رابطه با تملک بلاعوض صحیح است و سایر اعمال باطل است. در امور غیرمالی بعضاً به موجب قانون اختیار دارند مثلاً حق رای یا انتخاب در شوراهای دانش آموزی و شرکت در آزمون‌های مدرسه.

۳- کودکان بالغ یعنی کودکانی که به سن شرعی رسیده‌اند و در صورت ارتکاب جرم همانند بزرگسالان با آنان رفتار خواهد شد. مسئولیت مدنی نیز دارند و اعمال غیرمالی آنها صحیح است، اما اعمال مالی آنها جز کمک بلاعوض که صحیح است، سایر اعمال مالی آنها تا سن رشد ۱۸ سالگی غیرنافذ است و منوط به تنفیذ ولی یا قیم می‌باشد.

در تبصره یک قانون ۴۹ مجازات اسلامی مقرر شده است که: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. بلوغ شرعی بر اساس تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است (حجتی اشرفی، ۱۳۸۱: ۱۷) و سن رشد نیز مطابق قانون راجع به رشد متاهلین مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ سن ۱۸ سال است مگر خلاف آن ثابت شود، به عبارتی بین سن بلوغ تا ۱۸ سالگی فرض بر عدم رشد و پس از ۱۸ سالگی فرض بر رشد است، مگر خلاف آن ثابت شود. بدین ترتیب بین قوانین مختلف تعریف از کودک متفاوت است.

بند دوم: والدین و سرپرست کودک

ولایت عبارت از سلطه و اقتداری است که قانون به جهتی از جهات به کسی می‌دهد که امور مربوط به غیر را انجام دهد، که مخصوص پدر و جد پدری و وصی منصوب از آنهاست (بلیغ و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵۳). قیمومیت نوعی سرپرستی است که از طرف دادگاه برای طفل صغیر در صورتی که ولی خاصی نداشته باشد، جهت اداره امور مالی او تعیین می‌گردد. قیم می‌تواند مادر طفل یا هرکس دیگری باشد که صلاحیت سرپرستی طفل را داراست، فرقی نمی‌کند که با طفل قرابت داشته یا نداشته باشد. در صورتی که مادر داشته باشد، مادر برای قیمومیت طفل در اولویت است (همان: ۱۵۳). حضانت و نگاهداری طفل عبارت است از به کار بردن وسایل لازمه برای بقاء، نمو، بهداشت جسمی و روحی طفل، چرا که در هر سن صغیر به یک نوع سرپرستی نیاز دارد که متناسب با طبیعت او باشد. تا سن ۷ سالگی اولویت با مادر و پس از آن با پدر است (همان: ۱۵۳). در سیستم حقوقی ایران، زن و مردی که به وسیله عقد نکاح به یکدیگر مربوط شده و فرزندان ایشان که قانوناً و شرعاً از این رابطه به وجود آمده‌اند، اعضای خانواده را تشکیل می‌دهند. در این مجموعه، مرد رئیس خانواده بوده و به موجب ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، بر طفل ولایت دارد. وظیفه مادر در کنار پدر حضانت از طفل و تربیت و نگاهداری اوست (مواد ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۲، ۱۱۷۸ قانون مدنی). بنابراین در حقوق ایران، والدین قانونی به زن و مردی اطلاق می‌شود که بر اثر نکاح صحیح با یکدیگر مربوط شده و از این رابطه دارای فرزند هستند.

همچنین ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی چنین می‌گوید: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت نمایند». در ماده ۱۱۷۸ همان قانون مقرر گشته است: «ابوین مکلف هستند در حدود و توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند». بدین‌سان می‌توان گفت که حضانت امری مادی و تربیت امری معنوی است. بنابراین تربیت فرزند همانطور که از ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی برمی‌آید تکلیف پدر و مادر است، اما آنها درعین حال که حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلفند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهایش به هدر نرود.

بند سوم: سوءاستفاده والدین یا سرپرست کودک

با توجه به اینکه در کنوانسیون حقوق کودک و کتب مختلف هیچ تعریفی از سوءاستفاده ارایه نشده و تنها در دو حالت از این واژه استفاده گشته است: (۱) سوءاستفاده تجاری در ذیل تعاریف حقوق تجاری و (۲) سوءاستفاده جنسی که ذیل کودک آزاری قرار می‌گیرد. حال با توجه به مطلب مزبور، ماده ۲ فصل اول لایحه حمایت از کودک سوءرفتار را این‌گونه تعریف کرده است: «ب) سوء رفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی است که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین و تهدید نسبت به کودک یا نوجوان، یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیر متعارف» (<http://www.irsprc.org/post/detail.aspx>). سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۹ در اجلاس «پیشگیری از سوءرفتار علیه کودک» تعریفی را در مورد سوءرفتار با کودک ارایه داد که عبارتست از: هرگونه سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی، غفلت یا مسامحه کاری، سودجویی یا استثمار که منجر به صدمه بالقوه یا بالفعل به سلامت، بقا، رشد و تکامل یا شان کودک شود (کازمی نوایی و کردی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

در قانون Children Act در سال ۱۹۸۹ دربارہ سوءاستفاده آمده است: وقتی که عمل یک نفر موجب آزار و رنج مهم در کودک شود و سلامتی و پیشرفت او را مورد آزار قرار دهد. یک بچه از هر سن، جنس، نژاد، مذهب و زمینه اجتماعی، اقتصادی می‌تواند

قربانی سوءاستفاده و غفلت شود. تعدادی عوامل وجود دارند که منجر به آزار کودک می‌شود. والدینی که دارو یا الکل مصرف می‌کنند بیشتر احتمال دارد که با بچه هایشان بدرفتاری کنند. بعضی از والدین ممکن است قادر به سازگاری با استرس ایجاد شده از تغییرات باشند و ممکن است در نگهداری از بچه هایشان مشکلاتی را تجربه کنند (امان الهی، ۱۳۸۹).

در ایالات متحده آمریکا، سیاست گذاران، کودک آزاری را با توجه به ساختار برنامه‌ریزی‌های پیشین جنایی خود در ارتباط با جرم انگاری بسیاری از موارد آزار و سوءاستفاده از طفل، در سطح قانون فدرال بدینگونه تعریف نموده اند: «هر فعل و یا ترک فعلی که به وسیله والدین یا سرپرستان صورت گیرد و منجر به مرگ، آسیب شدید جسمی یا عاطفی، آزار جنسی یا بهره کشی شود و همچنین هرگونه قصور و سهل انگاری والدین که ریسک بالایی در ایجاد صدمات اساسی داشته باشد» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در این پژوهش نیز سوءاستفاده از کودک ذیل تعریف ارائه شده مذکور قرار می‌گیرد و شامل انواع کودک آزاری می‌شود. بنابراین سوءاستفاده، هرگونه آزار جسمی یا روانی با هدف تحقیر، لذت بردن یا تفریح، کسب منفعت مالی از کودک تلقی می‌گردد. همچنین وسیله قراردادن کودک برای ارتکاب جرم و اعمال خلاف اخلاف است.

مبحث دوم: ضرورت و روش‌های حمایت و مکانیسم آن

گفتار یکم: ضرورت حمایت و پیامدهای عدم حمایت

کودک به دلیل ضعف و فقدان امکانات لازم برای استیفای حق خویش، در معرض آسیب‌پذیری بالایی قرار دارد، بنابراین حمایت از کودک دارای ضرورت و جایگاه جدی و اساسی است. زیرا، کودک تشکیل‌دهنده و سازنده نسل آینده جامعه و حمایت از او یک ضرورت اصلی در مقررات حمایت از خانواده است؛ زیرا کودک در درون خود توان و آمادگی‌های اساسی و پویایی در جهت تشکیل نسل آینده دارد و در صورتی که به دلیل نبود حمایت‌های لازم، کودک دچار آسیب شود خانواده و جامعه آینده با تهدید روبه‌رو می‌شوند.

امروزه همه پژوهشگران و صاحب‌نظران در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که کودک باید از زوایا، ابعاد و جوانب مختلف آموزشی، فرهنگی و قانونی تحت حمایت قرار بگیرد. حمایت فرهنگی از کودک به این معناست که دستگاه‌های فرهنگی، سازوکارهای لازم برای ایجاد چتر حمایتی فرهنگی از کودک را فراهم کنند. از سوی دیگر دستگاه آموزش کشور باید در جهت تأمین و تعمیق حمایت آموزشی از کودک و گسترده شدن فضاهای لازم برای آموزش منطقی، سریع، درست و جامع برای کودک کوشش کند و نیز کودک را جهت آماده‌سازی برای حضور در جامعه پرورش دهد. ارائه حمایت‌های بهداشتی و اجتماعی برای کودکان مهم است و بایستی امکانات بهداشتی و اجتماعی برای راهیابی کودک به اجتماع فراهم شود و کودک بتواند با بهره‌مندی از سلامت و مهارت‌های اجتماعی به عنوان فردی موفق و کارآمد پا به عرصه اجتماع بگذارد (مبلغی، ۱۳۹۰). حمایت قانونی از کودک پایه و بنیان سایر انواع حمایت است و دستگاه قانون گذاری باید به حمایت از کودک برخیزد و بسترهای لازم برای حمایت قانونی از کودکان را فراهم کند، زیرا اگر حمایت قانونی از کودک صورت نگیرد، حمایت‌های دیگر تضمینی برای اجرا ندارند. در حمایت قانونی باید همه جوانب حمایت قانونی و به‌ویژه حمایت قضایی از کودک لحاظ شود، به طوری که حمایت قانونی و حمایت قضایی همزمان صورت بگیرد. ایجاد سازوکار قانونی برای نظارت بر خانواده‌ها در رابطه با حفظ حقوق کودکان ضروری است و قانون‌گذار باید راه را برای نظارت قانونی بر خانواده‌ها به گونه‌ای که استقلال آنها برهم نخورد، باز کند و ابزارهای هشداردهنده ای را در قانون تعبیه کند تا بتواند چتر نظارتی را به بهترین نحو بر سر کودکان جامعه بگستراند. زیرا، تاثیرات و عواقب سوءاستفاده بسیار پیچیده هستند، چرا که در خانه کودکان قربانی سوءاستفاده افرادی می‌شوند که دوستشان دارند و به آنها اعتماد دارند، درحالی‌که باید در خانه احساس امنیت کنند. از دست دادن اعتماد به انسان‌هایی که از سایرین به وی نزدیک تر هستند، می‌تواند در کودک احساس ترس، شک، عدم اطمینان و تنهایی عاطفی ایجاد کند. این کودک ممکن است دیگر هرگز نتواند در حضور پدر و مادر یا عضوی از خانواده که عامل خشونت بوده است احساس امنیت و آرامش خاطر کند.

مطالعه‌ای که در آن اطلاعات و آمار و ارقام از نقاط مختلف جهان مقابله و مقایسه

شده است، نشان دهنده این است که میزان زیاد و قابل توجهی از بروز اختلالات روانی در دوران بزرگسالی به سوءاستفاده جنسی در دوران کودکی مربوط می‌شود (Andrews 1940-1851: G et al, 2004). با اینکه میزان شیوع سوءاستفاده در مناطق مختلف متفاوت بوده، تاثیرات و عواقب آن مشابه بوده است و در مواردی که سوءاستفاده مداوم بوده و تکرار شده و یا شدت آن بالا بوده تاثیرات و عواقب آن بر بهداشت روانی شدیدتر و حادث‌تر بوده است. علاوه بر تاثیرات منفی، سوءاستفاده بر حقوق، سلامتی و رشد کودک، عواقب اقتصادی نیز برای خانواده و جامعه به همراه دارد. از جمله این تاثیرات و عواقب می‌توان به هزینه‌های مستقیم از قبیل هزینه مراقبت‌های درمانی و پزشکی برای قربانی، خدمات حقوقی و رفاه و تامین اجتماعی و قرار دادن کودک قربانی در مراکز مخصوص مراقبت و درمان اشاره کرد (Waters H et al, 2004).

گفتار دوم: روش‌های حمایت و مکانیسم آن

انواع حمایت از حقوق کودکان به ویژه در حوزه کیفری شامل موارد ذیل می‌شود:

(۱) حمایت کیفری در برابر جرایم علیه سلامت جسمی کودکان: منظور از جرایم علیه سلامت جسمی، رفتارهایی هستند که موضوع آنها جسم و جان افراد است؛ جرایمی که حق حیات انسان و اصل مصونیت جسم او از تعدی و تعرض را هدف قرار می‌دهند. تعرض به تمامیت جسمانی افراد گاه منتهی به حدوث مرگ که سنگین‌ترین نتیجه مجرمانه است، می‌شود و گاه نیز نتایج خفیف‌تری را از جمله ضرب و جرح در پی دارد. قانون‌گذار در جرم شناختن این موارد تردیدی به خود راه نداده است، ولی تنها به ذکر قوانینی عام اکتفا نموده و برای سوءاستفاده از کودکان در خانواده، مانند: ضرب و جرح و قطع عضو، رها کردن طفل، بهره‌گیری از اطفال برای تکدی، بهره‌برداری از اطفال در جرایم موادمخدر، ترک انفاق کودکان، عدم درمان بیماری آمیزشی، عدم آبله کوبی طفل حکمی خاص تدوین نکرده است (فیروزی، ۱۳۹۰).

(۲) حمایت کیفری در برابر جرایم علیه شخصیت و سلامت روانی کودکان: در قبال خشونت روانی علیه اطفال در خانواده نیز قانونگذار تنها به ذکر قوانینی عام اکتفا نموده و برای این نوع از خشونت در خانواده حکمی خاص تدوین نکرده است. هر

چند قانونگذار برای اولین بار، در ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، شکنجه روحی را جرم شناخته است و تا قبل از تصویب این قانون، برای شکنجه روحی مجازاتی را مقرر ننموده بود ولیکن با بررسی قوانین کیفری از جمله قانون مجازات اسلامی می‌توان مواردی را مانند: پدر یا مادر به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی، نقض حقوق تحصیلی کودکان، عدم اعلام واقعه ولادت کودک یافت که به نوعی از کودک در برابر خشونت روانی حمایت شده است (همان).

۳) حمایت کیفری در برابر جرایم جنسی: همچنین قانونگذار در صدد حمایت از کودکان در برابر ازدواج غیرقانونی با آنان بر آمده، البته این جرم انگاری فقط در مورد اطفال مونث پیش‌بینی گردیده است. توریسم جنسی در قوانین جزایی ایران مورد غفلت قرار گرفته و به طور مجزا و خاص در خصوص آن جرم انگاری صورت نپذیرفته است. لیکن در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ۱۳۸۱ «هر گونه بهره‌کشی و بکارگیری در کودکان به منظور اعمال خلاف» را جرم اعلام نموده که با این جرم انگاری، گام بسیار مهمی در راستای پیشگیری از بزه دیدگی جنسی و سوءاستفاده از کودکان در این گونه فعالیت‌های مجرمانه جنسی برداشته است (همان).

لذا می‌بایست چهارچوب و بستری از قوانین و سیاست‌ها که طبق آن کلیه انواع خشونت‌ها علیه کودکان در خانواده ممنوع و غیر قابل قبول اعلام شود، تدوین و ایجاد گردد. دولت‌ها متعهد و ملزم هستند که کلیه انواع خشونت علیه کودکان در خانه و در سایر موقعیت‌ها را ممنوع و متوقف نمایند. این امر شامل کلیه فعالیت‌ها و آئین‌های سنتی زیانبار، خشونت جنسی و کلیه انواع تنبیه بدنی، مطابق با پیمان نامه حقوق کودک و سایر اسناد و ابزارهای مربوط به حقوق بشر می‌شود.

پیرو این مسئله، در بخش اول کنوانسیون حقوق کودک در ماده‌های ۲ تا ۵ اشاره شده است که کشورهای عضو در حوزه قضایی خود «حقوق کودکان را بدون توجه به هر گونه تبعیض و بدون ملاحظه نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت، خاستگاه‌های قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین و یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند نمود» (بند اول از ماده دوم کنوانسیون حقوق کودک). همچنین در ادامه مقرر می‌دارد: کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات

بر اساس موقعیت، فعالیتها، برابری عقیده و یا عقاید والدین، قیم‌های قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد (بند دوم از ماده دوم کنوانسیون حقوق کودک). بعلاوه در ماده سوم تأکید می‌کند که تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی، یا ارگانهای حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد (بند اول از ماده سوم کنوانسیون حقوق کودک). موکداً نیز از کشورهای عضو می‌خواهد «حمایت‌ها و مراقبت‌های لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آنها، قیم‌های قانونی و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که در این راستا اقدامات اجرایی و قانونی مناسب معمول خواهد گردید» (بند دوم از ماده سوم کنوانسیون حقوق کودک).

در ماده چهارم نیز از دید اجرایی و قانونی به مسئله حمایت می‌پردازد و عنوان می‌کند که کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات ضروری اجرایی و قانونی را جهت تحقق حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر معمول خواهند داشت. کشورهای طرف کنوانسیون با توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اقداماتی را در جهت به کارگیری حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم در چهارچوب همکاری‌های بین‌المللی به عمل خواهند آورد. به‌ویژه در بندهای اول و دوم ماده ۱۹ کنوانسیون صراحتاً به مسئله حمایت به شرح زیر می‌پردازد:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استعمار منجمله سوءاستفاده‌های جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.

۲- این گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم آوردن حمایت‌های لازمه از کودک و کسانی که مسئول مراقبت از وی می‌باشند و نیز حمایت در برابر سایر اشکال محدودیت‌ها و نیز برای شناسایی گزارش، رجوع، تحقیق، رفتار و پیگیری موارد بدرفتاری‌هایی که قبلاً ذکر شده و نیز برای درگیری‌های قضایی باشد. حال می‌بایست بررسی شود در این راستا، آیا

مقررات و قوانین داخلی مطابق با کنوانسیون حقوق کودک طراحی و تدوین گشته است؟

بند یک: ایجاد مراکز مشاوره

در جهت همگامی با کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان این گونه آمده است: سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان موضوع این قانون عهده‌دار وظایف زیر می‌باشند:

الف) سازمان بهزیستی کل کشور موظف است با همکاری و مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی مرتبط و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب تیم‌های تخصصی سیار یا مستقر در مناطق و محلات شهرها و یا روستاها با حضور نماینده شهرداری یا دهیاری و یکی از معتمدین محل به انتخاب شورای شهر یا روستا، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش، جمع‌آوری و ثبت آمار و اطلاعات، تشخیص آسیب، نگهداری، توانمندسازی، نظارت بر وضعیت، پیگیری، پایش و ارزشیابی اقدامات راجع به کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده و ارائه گزارش موردی و ادواری و اعلام مراتب مورد نیاز به دادگستری اقدام نماید. نحوه فعالیت و تعامل این سازمان با سایر مراجع صلاحیت دار جهت اجرای این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری و سازمان بهزیستی کل کشور با همکاری سایر نهادهای ذی ربط تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب) نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است با همکاری سازمان بهزیستی کشور نسبت به شناسایی کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انجام حمایت‌های مورد نیاز و اجرای سایر وظایف محوله بر اساس مقررات این قانون اقدام کند.

ج) سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است نسبت به شناسایی کودکان و نوجوانانی که اولیاء یا سرپرستان قانونی آنها در زندان می‌باشند و در صورت نیاز معرفی آنها به بهزیستی یا سایر نهادها و سازمان‌های مسئول، اقدام و نیز با همکاری سازمان بهزیستی و سایر نهادها و سازمان‌های مرتبط نسبت به تشخیص

آسیب، اقدامات حمایتی اولیه و مراقبت پس از خروج، در خصوص کودکان و نوجوانان محروم از آزادی اقدام کند.

د) وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت کار و امور اجتماعی مکلفند در حوزه وظایف خود نسبت به شناسایی، راهنمایی و معرفی کودکان و نوجوانان موضوع این قانون به سازمان بهزیستی کشور و انجام سایر تکالیف مقرر در این قانون اقدام کنند.

ه) شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور مکلفند با همکاری سازمان بهزیستی و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی مربوط و با استفاده از امکانات در اختیار نسبت به تشخیص، شناسایی و حمایت و کمک به توانمندسازی کودکان و نوجوانان در معرض خطر اقدام کنند.

و) وزارت کشور و سازمان ثبت احوال کشور مکلف هستند، با همکاری وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت آموزش و پرورش، شهرداری‌ها و سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن، ظرف مدت دو سال از تاریخ اجرای این قانون، تدابیر و اقدامات لازم را به گونه‌ای اتخاذ نمایند که هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، اسامی و نشانی کودکانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده‌اند، به آموزش و پرورش منطقه یا محل اعلام کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان ثبت احوال کشور و با همکاری نهادهای مربوط تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ز) وزارت آموزش و پرورش مکلف است از طریق همکاری با مراجع صالح، تحقیقات، بررسی‌ها و اقدامات لازم را جهت ثبت نام و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از تحصیل انجام دهد و موارد عدم ثبت نام و ترک تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را جهت هماهنگی و اقدام لازم به سازمان‌ها و نهادهای مربوط اعلام کند.

ح) سازمان بهزیستی کشور مکلف است با همکاری قوه قضاییه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور اخذ و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان و نوجوانان، امکانات لازم از قبیل سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای را تهیه و موجبات توانمندسازی حقوقی مردم در زمینه حمایت از کودکان و

نوجوانان و گزارش دهی جرایم علیه آنان را فراهم آورده و به طریق مناسب با همکاری سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌ها و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان، نسبت به معرفی این سامانه اقدام کند.

ط) مراکز درمانی اعم از دولتی و خصوصی موظف به پذیرش و درمان کودکان و نوجوانان آسیب دیده موضوع این قانون می‌باشند و مکلفند هنگام تحویل آنان پیش از پایان دوره درمان به والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی مراتب را به بهزیستی محل اعلام کنند، مگر آنکه به طریق مقتضی اطمینان حاصل کنند که خروج کودک و نوجوان آسیب دیده برای انتقال به مرکز درمانی بهتر یا مساعدتر می‌باشد. چنانچه امکان اخذ مخارج مربوط از شخص مسؤول وجود نداشته باشد، سازمان بهزیستی هزینه‌های درمان را پرداخت می‌کند. این سازمان می‌تواند برای دریافت اصل مبلغ پرداختی و هزینه‌های وارد شده، مطابق قوانین، به شخص مسؤول مراجعه کند.

ی) واحدهای حمایت، وکلا، مشاوران، مددکاران اجتماعی یا سایر متخصصان مربوط و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان موضوع این قانون باید تمهیداتی اتخاذ کنند تا اقدامات حمایتی آنها موجب افشای اسرار کودک و نوجوان نشود (جعفری، ۱۳۹۰).

بند دوم: ایجاد دادگاه‌ها و آیین رسیدگی ویژه

حصول اطمینان از این که دادگاه‌های خانواده و سایر نظام‌های قضایی حساسیت‌های مربوط به نیازهای کودکان و خانواده‌های آنان را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ کنند، ضروری است. دولت‌ها باید از این امر اطمینان حاصل کنند که کودک قربانی خشونت در خانواده در جریان پیگرد و رسیدگی‌های قضائی مورد اعمال خشونت قرار نگیرند، و در دادرسی‌ها و رسیدگی‌های طولانی شرکت نکنند. باید در طول روند دادرسی و جلسات مربوطه با کودکان قربانی با مراقبت و رعایت حساسیت‌ها برخورد شود و شرایط شخصی و نیازهای آنان، سن و سال، جنسیت، ناتوانی/ معلولیت‌ها و میزان بلوغ فکری آن‌ها در نظر گرفته شود و کرامت و عزت نفس جسمی، روانی و اخلاقی آن‌ها محترم شمرده شود.

دولت‌ها باید به طور ویژه اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند تا در کلیه مراحل

تحقیق، اجرای قانونی، محاکمه و روند دادرسی و رسیدگی قضائی کلیه نیازهای خاص کودکان در نظر گرفته شود و این فعالیت‌ها در پرتو اصول راهنما در زمینه مسائل قضائی برای کودکان قربانی و کودکان شاهد وقوع جرم انجام شود (قطعنامه ۲۰/۲۰۰۵ ECOSOC). در این زمینه باید بزرگسالی که مورد اعتماد است کودک را در کلیه مراحل روند دادرسی و رسیدگی قضائی همراهی کند و این در صورتی است که این امر منافات و مغایرتی با منافع و مصالح کودک نداشته باشد؛ باید هویت و حریم خصوصی کودک حفاظت شود، و کودک نباید در معرض مصاحبه‌ها طی جلسات دادرسی و رسیدگی قضائی قرار گیرد. یعنی الف) دست اندرکاران حرفه‌ای باید تمهیداتی بیندیشند تا مانع از آن شوند که در هنگام شناسایی، تحقیقات و یا در جریان پیگرد، صدمات بیشتری به کودکان قربانی وارد آید، تا مصالح عالی کودک و شان و منزلت او حفظ شود. ب) دست اندرکاران حرفه‌ای باید با دلسوزی با کودکان قربانی روبه رو شوند تا:

- ۱- در سرتاسر جریان دادرسی حمایت لازم از کودکان مزبور به عمل آید. ۲- واقعیت را در مورد جریان امور به کودکان به آنها بگویند تا آنها به قطعیت بدانند که در جریان دادرسی چه انتظار آنها را می‌کشد. ۳- از سرعت دادرسی اطمینان پیدا کنند، مگر تاخیر به نفع کودک باشد. ۴- از رویه‌های مناسب کودکان استفاده کنند. پ) دست اندرکاران حرفه‌ای باید تدابیری بیاندیشند تا: ۱- تعداد مصاحبه‌ها محدود باشد. ۲- از تماس غیر ضروری کودک با متعرضین او، وکلای آنها و سایر اشخاصی که ارتباط مستقیم با جریان دادرسی ندارند، جلوگیری کنند. ۳- برای تسهیل کار کودک هنگام ادای شهادت کمک‌هایی در اختیار او قرار گیرد (دفتر بین‌المللی دفاع از حقوق کودکان، ۱۹۸۳: ۱۹-۲۱).

باید امکان استفاده از جلسات ایراد شهادت غیرحضوری که به صورت ویدئویی ضبط شده در نظر گرفته شود. همچنین می‌توان از صفحات نمایشگر و یا تلویزیون‌های مدار بسته استفاده نمود و در صورت امکان از تماس غیر ضروری کودک با عامل خشونت و یا حضور در جلسه رسیدگی خودداری نمود. به ویژه در صورت تطابق و همخوانی با نظام قانونی و قضائی هر کشور خاص و احترام به الزامات قانونی، متخصصان باید از این امر اطمینان حاصل کنند که کودک قربانی به طور غیرضروری چندین بار معاینه نشود و این که عموم مردم و رسانه‌ها در جلسه دادگاه و ایراد شهادت

کودک حضور نداشته باشند و این که مراقبان/ سرپرستان/ قیمان قانونی منتصب کودک برای حفاظت از منافع حقوقی کودک در دسترس باشند. باید از انجام سریع محاکمه اطمینان حاصل شود مگر این که تاخیر در دادرسی تامین کننده منافع و مصالح کودک باشد (سرجیو پینه رو، ۱۳۸۷: ۹۷).

با توجه به خلاء موجود و نواقص قوانین پیشین، در رابطه با حقوق کودک، قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبادرت به تنظیم لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نمود که این امر از رهگذر تعریف مفهوم و احصاء مصادیق وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، تعریف مفاهیمی همچون سوءرفتار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، بهره‌کشی، سوءاستفاده جنسی و خرید و فروش کودکان یا اعضاء آنها، جرم‌انگاری ویژه و تشدید کیفرهای حمایتی، تمهید آیین دادرسی ویژه اطفال بزه‌دیده، در معرض خطر و شاهد جرم، پیش‌بینی تدابیر، اقدامات و ساز و کارهای حمایتی به منظور کاهش و کنترل خطر، توجه ویژه به خانواده و والدین و تبیین و تقویت نقش و جایگاه نهادهای متولی و مددکاران اجتماعی در جهت حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان صورت پذیرفته است. لایحه تقدیمی در کنار سایر لوایح قوه قضاییه در زمینه اطفال برای اولین بار در ایران جامع‌ترین سامانه دادرسی در مواجهه با کودکان در تماس با قانون را شکل می‌دهد و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان موجب تسریع و تسهیل در پیشگیری و مقابله با خطرات و جرایمی می‌شود که همواره در کمین کودکان و نوجوانان است. این لایحه در رابطه با دادگاه ویژه و آیین دادرسی آن راجع به کودکان و نوجوانان در مواد ۴، ۵، ۳۱ تا ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۲ تا ۴۵ و ۴۷ تا ۵۴ به بحث می‌پردازد.

به‌ویژه در ماده ۴۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در رابطه با سوءاستفاده والدین می‌آورد: دادستان می‌تواند در جرایم موضوع مواد ۷ و ۸ و بند «د» و «ه» ماده ۱۰ و ماده ۱۲ این قانون چنانچه شخص مرتکب از والدین کودک و نوجوان باشد و سابقه جرایم عمدی علیه کودک و نوجوان نداشته باشد، با موافقت کتبی مرتکب و رعایت غبطه کودک و نوجوان و در صورت لزوم با متناسب نمودن قرار تأمین صادر شده یا صدور قرار تأمین متناسب، تعقیب را معلق کند. دادگاه نیز می‌تواند رأساً یا به تقاضای دادستان با رعایت شرایط مذکور و احراز مجرمیت، صدور حکم را به تعویق اندازد.

تعلیق تعقیب دعوی یا تعویق صدور حکم نباید موجبات بزه دیدگی یا ورود آسیب بیشتر به کودک و نوجوان را فراهم سازد. مرجع قضایی ضمن قرار صادره، اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر را برای مرتکب مقرر می‌کند:

- الف) تکلیف به انجام یا خودداری از انجام امر یا رفتاری خاص؛
- ب) تکلیف به گذراندن دوره‌های خاص آموزشی و فراگیری مهارت‌های مربوط به تربیت و مراقبت کودک و نوجوان و ارائه گواهی آن؛
- ج) مراجعه به مراکز درمانی، بازپروری یا توانبخشی برای درمان اعتیاد، بیماری یا اختلالات رفتاری و روانی و یا جسمی؛
- د) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین؛
- ه) اقدام جهت درمان اعتیاد، بیماری یا اختلالات رفتاری و روانی و یا جسمی کودک و نوجوان؛
- و) مراجعه به سازمان‌ها و نهادهای حمایتی دولتی و یا غیر دولتی به منظور بهره‌مندی از خدمات و مساعدت‌های اجتماعی آنها؛
- ز) معرفی خود در فواصل معین و برای مدت مشخص به شخص یا اشخاص معرفی شده از سوی مرجع قضایی؛
- ح) جبران یا فراهم آوردن ترتیب جبران زیان‌های ناشی از جرم (جعفری، ۱۳۹۰).

بند سوم: ایجاد مراکز نگهداری یا سپردن کودک به اشخاص یا خانواده‌های واجد صلاحیت

قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که جهت حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه دیده تدوین نموده است، درخصوص نگهداری کودکان به مراجع یا اشخاص واجد صلاحیت چنین مقرر می‌دارد:

ماده ۳۶: هرگاه خطر شدید و قریب الوقوعی کودک و نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره آمیز موضوع ماده ۳ این قانون وقوع جرم محتمل باشد، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت

امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند.

ماده ۳۸: هرگاه دادستان پس از ملاحظه گزارش موضوع ماده ۳۶ یا از هر طریق دیگر اتخاذ تدابیر حمایتی موضوع این قانون را ضروری تشخیص دهد، با توجه به نوع و شدت خطر، کیفیت جرم و سوابق و وضعیت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی کودک و نوجوان و والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی او، در صورت امکان با همکاری و توسط این اشخاص، اقدام لازم را جهت رفع خطر انجام داده و در موارد ضروری پس از اخذ نظر مددکار اجتماعی بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری دستور موقت خروج کودک و نوجوان را از محیط خطر و انتقال او به مکانی مطمئن و امن مانند مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مرتبط و یا سپردن نزد شخص مورد اطمینان صادر و مراتب را حداکثر ظرف پانزده روز جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به دادگاه اعلام می‌کند.

ماده ۳۹: هرگاه حمایت و رعایت غبطه و مصلحت کودک و نوجوان در معرض خطر و بزه دیده، مستلزم اتخاذ تصمیم در خصوص حضانت، ولایت، قیمومت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا سایر نهادها و مؤسسات اجتماعی، تربیتی، درمانی یا بازپروری، نگهداری در مکانی مطمئن و امن و یا سپردن موقت به شخص مورد اطمینان دادگاه باشد، دادستان گزارشی در مورد وضعیت کودک و نوجوان و ادله ضرورت اتخاذ اقدامات مزبور تهیه به دادگاه خانواده ارسال می‌کند.

ماده ۴۶: دادگاه رسیدگی کننده به جرایم موضوع این قانون می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت حسب مورد یک یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ کند: الف) معرفی کودک و نوجوان یا خانواده او به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی مسؤول یا فعال در زمینه مساعدت به افراد و خانواده‌های بی بضاعت؛ ب) سلب حق ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی کودک و نوجوان؛ ج) سپردن موقت یا دائم کودک و نوجوان به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوط؛ د) سپردن

سرپرستی کودک و نوجوان طبق مقررات مربوط به سرپرستی کودکان فاقد سرپرست (جعفری، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، در راستای تحقق اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی، ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحی ۱۳۷۵، قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱ و در اجرای قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۱ به ویژه بندهای (۲) و (۱۳) ماده ۲۶ و دستورالعمل اجرایی آن به شماره ۷۰۰/۸۷/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۶/۳۰ ریاست محترم سازمان بهزیستی و ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مبنی بر حمایت همه جانبه از اقشار آسیب پذیر به ویژه کودکان بی سرپرست این دستورالعمل با تکیه بر تحکیم بنیان خانواده مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت (دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی (۱۳۸۸). [www. behzisti. ir](http://www.behzisti.ir)). زیرا انتقال مفاهیم و تعاملات عاطفی درون خانواده و بین اعضای آن منجر به ارتقاء سطح بهداشت روانی افراد به ویژه اعتماد به نفس، خلاقیت، حل مسئله و... می‌گردد که می‌تواند در آتیه اجتماعی کودک تأثیر بسزایی بگذارد. این مهم در ماده ۲۰ کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز آمده است. بر این مبنادولت‌ها ملزم به شناسائی و انتخاب خانواده مناسب و جایگزین برای حمایت از کودک در دوران جدایی از والدین می‌باشند. لذا محور قراردادن خانواده و تقویت حضور فرزندان در خانواده‌های جایگزین واجد شرایط به عنوان اصلی‌ترین ماموریت دفتر امور شبه خانواده، هدف نهایی و دائمی است و مراقبت و پرورش کودک در مؤسسات (خانه‌های کودکان و نوجوانان)، به صورت موقت و صرفاً برای آماده‌سازی و رسیدن به هدف نهایی تدوین و تنظیم گردیده است.

مبحث سوم: موانع حمایت و ضمانت اجرایی آن

گفتار یکم: موانع حمایت از کودک

کنوانسیون حقوق کودک دارای انعطاف‌پذیری، جامعیت، توجه به کودک به عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی مجریان، توجه به نهاد خانواده و

اولویت دادن به منافع کودکان می‌باشد، اما عدم رعایت یا عدم توجه به بعضی از این ویژگی‌ها در ایران مانع اجرای کامل این کنوانسیون می‌شود:

(۱) پذیرفتن مشروط کنوانسیون: الحاق مشروط ایران به کنوانسیون به این معنی است که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، از طرف ایران لازم‌الرعایه نباشد. این موضوع امری غیرقانونی و نتیجه عملی آن این است که در مواردی از جمله تعیین سن کودکی، تبعیض (طفل متولد از زنا ملحق به زانی و زانیه نمی‌شود، ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی)، دیه دختر و پسر (ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی) و همچنین تبعیض بین کودکان بر حسب مذهب خانواده (مسلمان یا غیر مسلمان بودن) قوانین ایران با مفاد کنوانسیون در تعارض باشد.

(۲) گستردگی مخاطبان: از ویژگی‌های دیگر این کنوانسیون در ایران گستردگی مخاطبان آن می‌باشد که دلیل این امر هم قرار گرفتن نیمی از افراد جامعه زیر ۱۸ سال طبق ماده ۱ این پیمان نامه می‌باشد. هر چند ایران تغییراتی را براساس قوانین داخلی خود در خصوص افزایش سن کودکی بوجود آورده، اما این سن در اکثر موارد کمتر از ۱۸ سال است.

(۳) عدم انعطاف‌پذیری: همانطوری که اشاره شد یکی از ویژگی‌های کنوانسیون انعطاف‌پذیری آن است؛ یعنی قابلیت اجرایی کنوانسیون در کشورها با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و... ولی متأسفانه این ویژگی در ایران رعایت نمی‌شود، به عبارت دیگر کنوانسیون حقوق کودک در ایران انعطاف‌پذیر نیست. زیرا در ایران براساس مذهب بین کودکان تبعیض قایل می‌شوند؛ یعنی بر حسب اینکه خانواده کودکی مسلمان باشد یا غیرمسلمان در وضعیت حقوقی او تغییرات فاحشی رخ می‌دهد.

(۴) عدم جامعیت: منظور از جامعیت توجه به تمام جنبه‌های رشد و زندگی کودک از جمله رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودک است. این ویژگی در قوانین داخلی به طور کامل رعایت نشده است، زیرا در قوانین ایران به کودک به چشم شیئی متعلق به پدر و خاندان پدری نگاه می‌کنند و از این رو پدر حقوق و مسئولیت بیشتری نسبت به فرزندان دارد. طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی «برای نگهداری طفل مادر تا هفت سال (اعم از دختر و پسر) از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است»، بنابراین، در این ماده به عقاید و خواسته‌های

کودک و همچنین وضع روحی او هیچ توجهی نمی‌شود، لذا حقوق کودک در ایران از جامعیت لازم برخوردار نیست (حسین پور و برادران، ۱۳۹۰: ۷۹).

بند یکم: موانع قانونی

به نظر می‌رسد موانع قانونی در ایران یکی از مهم‌ترین موانعی است که در جهت اجرای حقوق کودک وجود دارد، لذا در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- عدم تدوین و تنظیم اقدامات موثر و پیشگیرانه در قبال پدیده سوءاستفاده از کودک.

- عدم تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با وضعیت کودکان در معرض خطر (مانند کودکان خیابانی و دختران فراری) (جانقلی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۳۴).

- نبود قوانین لازم در جهت فراهم نمودن زمینه واکنش فوری و اورژانسی در قبال موارد گزارش شده از وقوع کودک آزاری به‌ویژه در ارتباط با سوءاستفاده‌های جنسی و آسیب‌های جسمی با الزام به حضور مقامات قضایی، انتظامی و مددکاران اجتماعی در حداقل زمان ممکن در محل وقوع سانحه.

- عدم تدوین مقررات لازم در راستای تسریع و تسهیل انجام اقدامات درمانی اساسی تحت دو محور جسمی و روانی نسبت به کودک آزار دیده.

- نبود قوانین ماهوی و شکلی کیفری در جهت فراهم گردیدن امکان اتخاذ تصمیم قضایی در قبال شخص مرتکب در کمترین زمان ممکن و با حداکثر تناسب نسبت به شدت اعمال ارتكابی وی.

- نبود قوانین در راستای تسهیل اتخاذ تصمیم قضایی در ارتباط با سرنوشت نهایی کودک به منظور سلب فوری حضانت از والدین نالایق و تعیین سرپرست موقت یا دایم برای کودک.

- در قوانین ایران تنبیه به قدر کفایت برای تربیت فرزند اشکالی ندارد و تادیب محسوب می‌شود، اما از کلماتی مانند «تنبیه»، «به قدر کفایت» و «در حد متعارف» تعریف روشنی ارائه نشده است.

- تحت ساختار سنتی خانواده، پدر نسبت به سایر اعضای خانواده از برخی از امتیازات ویژه برخوردار می‌گردد. تبلور چنین امری را می‌توان در مشروعیت ارتكاب

قتل در فراش نسبت به همسر و معافیت پدر از قصاص در ارتباط با قتل فرزند، مشاهده نمود. اگرچه نظام حقوقی با اعمال کیفر تعزیری نسبت به پدر و الزام وی به پرداخت دیه قتل فرزند و محرومیت از ارث، بر نامشروع بودن این عمل صحه گذاشته، ولیکن با حذف کیفر قصاص نسبت به پدر و تعیین محدوده اعمال مجازات حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال در واقع ناخواسته گونه‌ای از حاکمیت پدر بر نفس فرزند را به رسمیت شناخته است.

بند دوم: موانع اجرایی و قضایی

دولت‌ها در جهت حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده والدین علاوه بر اینکه ملزم به تدوین و وضع قوانین مناسب هستند، در اجرای قانون نیز باید کنترل و مراقبت لازم را بنمایند و امکانات لازم را در این زمینه فراهم نمایند. به عبارت دیگر دولت‌های طرف کنوانسیون باید در صورت مقتضی، چهارچوب هنجاری و اصول پذیرفته شده بین‌المللی را در قوانین ملی خود بگنجانند، یا آن که قوانین خود را تغییر دهند، و راه حل‌های موثری را در صورت نقض حقوق پیش‌بینی کنند. بعلاوه دولت‌ها باید امکانات لازم را برای اجرای موثر چهارچوب هنجاری و اصول پذیرفته شده بین‌المللی به کارگیرند. ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، توجه خاصی به این امر کرده است. همچنین در اجرای قوانین باید نظارت کافی داشته باشد و بر قانونی بودن تدابیر و امکان عرضه شکایت از طرف طفل یا نمایندگان قانونی او و موسسات نظارتی فراهم باشد. طبق اصل ۳۰ قانون اساسی تحصیل رایگان کودکان و تربیت بدنی باید به طور رایگان در همه سطوح و تا پایان دوره متوسطه تا حد امکان فراهم شود، که این مسئله در ماده ۲۸ کنوانسیون نیز در قالب اجباری و رایگان بودن تحصیل کودکان تا پایان ابتدایی وجود دارد. اما با وجود اصل ۳۰ قانون اساسی کودکان بسیاری در خیابان‌ها به کارهای آدامس فروشی، واکسی و گل - فروشی مشغولند. همچنین طبق بند ۴ اصل ۳۰ قانون اساسی پدر و مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه نگهداری او را برعهده دارند، موظف هستند موجبات تحصیل فرزند خود را فراهم کنند، در غیر این صورت حکم قضایی دریافت می‌کنند؛ ولی تابحال پدری به خاطر عدم تحصیل فرزندش تحت تعقیب قرار نگرفته است.

گفتار دوم: ضمانت اجرایی نقض حمایت

بند یکم: در نظام داخلی ایران

مسئله‌ای که در مورد مقررات مربوط به تربیت اطفال قابل انتقاد به نظر می‌رسد، از جهت ضمانت اجراست. چرا که علیرغم پیش‌بینی پاره‌ای ضمانت اجراهای مدنی و کیفری برای امر حضانت (نگاهداری) در زمینه تربیت کودکان، ضمانت اجرای این تکلیف بیشتر جنبه اخلاقی دارد و برای مسامحه و غفلت والدین در خصوص تربیت، ضمانت اجرای مادی و حقوقی خاصی پیش‌بینی نشده است و در مورد تعلیمات خاص نظیر تحصیل و سوادآموزی اطفال و تعلیمات اجباری آنان نیز با وجود پیش‌بینی جزای نقدی و مجازات حبس، اجرای مجازات چندان جدی تلقی نگردیده است. زن و مردی که به وجود آورنده کودک هستند پس از تولد طفل دارای سمت پدر و مادر می‌شوند و قانون‌گذار برای آنان یک‌سری حقوق و تکالیف را مقرر کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: حضانت، سرپرستی اموال، تربیت، حق نفقه. متأسفانه با مطالعه قوانین مربوط به وظایف والدین که قسمت اعظم آن در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی آورده شده به عناوین و وظایف کلی بسنده کرده و برخی از آنها نیز مبهم و غیرشفاف است.

(۱) نگاهداری از کودک (حمایت جسمی)

حضانت یعنی پروردن و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است و قائم به ارکان ذیل است: الف) حضانت مخصوص ابویین و اقربای طفل است و بین اقربای رعایت طبقات ارث نمی‌شود. ب) نسبت به ممتنع از نگهداری طفل حضانت تکلیف است و نسبت به دیگران حق (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی). ج) حفظ مادی (جسم) و تربیت اخلاقی و معنوی طفل مناسب شئون او. د) اهلیت قانونی برای حضانت (مواد ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ قانون مدنی).

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری طفل را حق و تکلیف والدین قرار داده است. حق به طور جزئی قابل اعراض است ولی به صورت کلی خیر و از طرف دیگر قانون‌گذار در قبال اعطای سمت پدر و مادر برای آنها تکالیفی را مقرر نموده که آنان نمی‌توانند از آن امتناع نمایند. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی اولویت حضانت را تا سن هفت سالگی برای مادر در نظر گرفته است و اصلاحیه سال ۸۲ بیشتر احساسات مادرانه و

احتیاج بیشتر طفل در دوران کودکی به مادر را مورد توجه قرار داده است. در مواد بعدی در صورت جنون، فوت و سلب صلاحیت، حضانت طفل به پدر و دیگران منتقل می‌شود. ولی باز هم ابهام وجود دارد، زیرا در صورت امتناع پدر از نگهداری طفل و سوءاستفاده وی از این حق، چه ضمانت اجرایی وجود دارد که پدر از این حربه برای فرار از مسئولیت استفاده ننماید. در قسمت اخیر ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، در صورتی که پدر و مادر هزینه حضانت را پرداخت نمایند و یا قادر به پرداخت هزینه نباشند، ابهام وجود دارد و تکلیف پرداخت هزینه مشخص نگردیده، که با حقوق کودک در تعارض است. در مورد ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی لازم به ذکر است کمال صحت جسمانی و تربیت اخلاقی کودک مدنظر و مطلوب است و نباید به حداقل اکتفا نمود، اگر افراد ذکر گردیده نتوانند و یا مطلع نباشند چگونه می‌توان کودک را نجات داد و موضوع را به رئیس حوزه قضایی و محکمه اطلاع داد (انیسی، ۱۳۹۰: ۴۵).

۲) تربیت کودک (حمایت از شخصیت و سلامت روانی کودک)

تربیت کودک عبارت است از آموزش کودک به آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی اش و کوشش در فراگرفتن او به علم و صنعت، به عبارت دیگر فرد بتواند وسیله خوشبختی و سعادت خود و هموعانش را ببار آورد، البته تربیت شامل پرورش قوای جسمانی، روحی و اخلاقی نیز می‌گردد. حدود تربیت در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی دارای ابهام است و ابوبین در حدود توانایی خود مکلف هستند. اما آیا این توانایی برای تربیت طفل کافی است؟ زیرا ممکن است در حق کودک و تربیت وی اجحاف شود. زیرا، حدود توانایی و اندازه تربیت قابل ارزیابی دقیق نیست و یک امر نسبی است (همان: ۴۶).

۳) تأمین معاش کودک (حمایت مالی)

ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه اولاد را بر عهده پدر و بعد از آن جد پدری و مادر قرار داده است. زیرا در نفقه اقارب افراد در خط عمودی ملزم به انفاق یکدیگرند. با توجه به مواد قانونی فوق، اولاد واجب‌النفقه ممکن است صغیر یا کبیر، سالم یا معلول، عاقل یا مجنون باشد که موارد فوق شرط استحقاق نفقه نیست، بلکه اولاد در صورت فقر و عجز از کسب و کار در هر صورت واجب‌النفقه محسوب می‌شود، ضمانت اجرای ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی است که از اموال مستنکف می‌

توان نفقه را مطالبه نمود. اشکالی که در بحث نفقه اولاد وجود دارد این است که طفل نسبت به نفقه دوران گذشته خود حق مطالبه ندارد و در واقع حق کودک نادیده گرفته می‌شود.

یکی از وظایف مهم والدین طبق ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی اداره اموال کودک است که البته کلمه ولی قهری آورده شده است و همچنین طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی ولی قهری کودک باید رعایت مصلحت صغیر و کودک را تحت هر شرایطی بنماید. اداره اموال باید به نحو احسن و مطلوب انجام شود، البته تشخیص و معیار سنجش در این ماده مشکل می‌باشد؛ وانگهی ضمانت اجرای معاملات انجام شده توسط وی که به ضرر صغیر بوده مشخص نشده است و از سوی دیگر ممکن است ولی قهری در پنهان، اقدام به ضرر رساندن به اموال صغیر نماید. قانون مدنی در مقابل ضررهای وارده به اموال کودکان ساکت است، ولی اکثر حقوقدانان عقیده دارند چنین معاملاتی باطل و عده‌ای دیگر آن را غیرنافذ و معتقدند هنگامی که طفل کبیر گردید می‌تواند آن را تنفیذ نماید. بنابراین، همچنان که کودکان می‌بایست مورد احترام و حمایت قرار گیرند، اموال آنان نیز محترم است و باید مورد حمایت قرار گیرد تا آنها بعد از رسیدن به سن رشد بتوانند به نحو مطلوب از آن استفاده نمایند (همان: ۴۷).

بند دوم: در نظام بین‌الملل

رشد و توسعه هر یک از کشورهای عضو جامعه بین‌المللی مستلزم همکاری سازمان یافته آنها در سطحی فراتر از منافع ملی می‌باشد به شرط آنکه این همکاری بر اساس اصولی باشد که ضامن منافع جمع و حاصل وجدان مشترک جامعه بشری باشد. حال اگر کشوری اصول و قواعد حقوق بین‌الملل را زیر پا نهاد، تخلفی محسوب شده که عکس‌العملی را اقتضا می‌نماید، پس قواعد و مقررات حقوقی نیازمند ضمانت اجرایی می‌باشند تا از اجرای آنها اطمینان حاصل گردد.

ضمانت اجرای قواعد حقوق بین‌الملل برخلاف حقوق داخلی که عمدتاً شخص مجرم یا متخلف موضوع آن قرار می‌گیرد، عمدتاً عمومی بوده و عطف به کل می‌گردد، مثلاً اعمال خلاف حقوق بین‌الملل وزیر امور خارجه کشوری و یا دبیرکل یک سازمان بین‌المللی موجب می‌گردد که به جای اشخاص فوق، کشور و یا سازمان بین‌المللی

مربوط عهده‌دار مسئولیت گردند. علاوه بر این ضمانت اجرا در حقوق داخلی عمدتاً به شکل قوانین کیفری متجلی می‌شود در حالی که در حقوق بین‌الملل جز در موارد استثنایی و برطبق قرارداد خاص، شامل اقداماتی از طرف مدعی به منظور احقاق حق خویش می‌گردد. علت این امر عدم وجود قدرت قضائی یا اجرائی مافوق کشورهاست و بدین جهت کشورها به عنوان ارکان قضاوت، رفتار قانونی و یا غیرقانونی یکدیگر را تشخیص داده و در صورت نقض حقی از آنان، به منظور جبران و حفظ حق، مبادرت به اقدامات ضرور می‌نمایند (گنجی، ۱۳۴۸: ۳۸).

جامعه بین‌الملل تنها جامعه بشری است که عملاً از یک نهاد تقنینی به اجرایی و قضایی محروم است. عدم برخورداری از یک نهادسازمان یافته و روش‌های حقوقی لازم موجب شده است تا حقوق بین‌الملل نتواند خود را با تحولات جامعه بین‌الملل و نیازهای آن وفق دهد و این موجب ضعف حقوق بین‌الملل است (موسی زاده، ۱۳۷۶: ۹). آنچه بدینان عصر معاصر انگشت روی آن می‌گذارند فقدان ضمانت‌های اجرایی از قبیل فقدان روش‌های قضایی تعهدآور و اجباری و نیز فقدان قوه اجرایی متمرکز برای اعمال آراء قضایی می‌باشد (آکهرست، ۱۳۷۳: ۷).

گفتار سوم: مکانیسم مقرر در کنوانسیون کودک و پروتکل‌های آن

کنوانسیون حقوق کودک چندین مکانیسم اجرایی برای حمایت از کودکان در جلوگیری از نقض حقوق آنها در نظر گرفته است که شامل موارد ذیل می‌شود: الف) سیستم گزارش دهی، ب) پرسش از دولت‌ها توسط کمیسیون و پاسخ از سوی دولت‌ها، ج) توصیه به دولت‌ها از سوی کمیسیون، د) ارایه گزارش از سوی کمیسیون به مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه با گزارش دولت‌ها، پاسخ دولت‌ها و توصیه‌های کمیسیون به آنها.

مکانیسم و روش اجرایی مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و چگونگی اجرای آن، طبق آنچه که در ماده پیش‌بینی شده، اولین بار، دو سال بعد از الحاق، هر کشور عضو، گزارشی را به کمیته کارشناسان مبنی بر اینکه چه اقداماتی را در زمینه حقوق کودک انجام داده است، ارائه می‌کند. پس از ۲ سال هم، هر ۵ سال یکبار هر دولتی معمولاً این گزارش‌ها را به کمیته‌ها ارائه می‌دهد تا مورد بررسی قرار گیرد. در ماده ۴۲ کنوانسیون

با ذکر این نکته که حکومت‌های عضو پیمان، خود را موظف می‌دانند مفاد و مصوبات پیمان‌نامه را از راه‌های گوناگون و موثر در اختیار بزرگسالان و کودکان قرار دهند تا آنها را با مفاد پیمان بیشتر آشنا نمایند. همچنین در ماده ۴۴ در خصوص گزارش‌دهی و گزارش‌گیری آمده که حکومت‌های عضو پیمان موظف خواهند بود، گزارش خود را درباره فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به تحقق و پیگیری تصمیمات این پیمان‌نامه تهیه و تنظیم نموده و ارائه نمایند. در گزارشات باید مشکلات اصلی که مانع اجرای مصوبات بوده‌اند، ذکر گردد و تصویر کامل و دقیقی از چگونگی و نحوه اجرای مصوبات ارائه شود. همچنین کمیسیون مربوطه می‌تواند از حکومت‌های مربوطه در مورد اجرای پیمان پرس و جو نماید. علاوه بر آن کمیسیون برحسب مواد ۴۴ و ۴۵، پیشنهادات و توصیه‌های لازم را به دولت‌های مربوطه داده و مجمع عمومی سازمان ملل متحد را هم در جریان امور قرار می‌دهد. این نکته در ماده‌حایز اهمیت است که مطابق پیمان‌نامه تباینی با حقوق کودکان در کشورها از این نظر که پیشرفته‌تر هستند با دیگر کشورها وجود ندارد (حیدری، ۱۳۸۹).

بنابراین، جهت نظارت بر مفاد پیمان‌نامه، کمیسیونی ویژه از کارشناسان بلندپایه کشورهای حاضر در پیمان‌نامه، جهت پیشرفت اموری که حکومت‌های عضو پیمان تضمین آن را داده‌اند، تشکیل می‌شود. این کمیسیون می‌تواند بر پایه اطلاعاتی که از دولت‌ها دریافت می‌کند پیشنهادات و توصیه‌هایی را به حکومت‌ها و دولت‌ها ارائه دهد. در واقع شرایطی را مهیا می‌کند تا حقوق کودکان در کشورهای جهان بیش از پیش تضمین گردد.

دست‌آورد

با توجه به مسایل مطرح شده، فرضیه این پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد، زیرا اگرچه کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون‌های حقوق بشری درباره حمایت از کودکان در سراسر دنیا نوشته شده‌اند و دولت ایران نیز به بسیاری از آنها پیوسته، اما به دلیل حق شرط، هر جا که قوانینی از کنوانسیون را مطابق آیین و شریعت خود نیابد، آن را نقض می‌نماید. در ایران متأسفانه قانون جامعی برای جلوگیری از سوءاستفاده والدین یا سرپرستان کودک وضع نشده و مقررات موجود پراکنده و یا به صورت عمومی است،

به علاوه ارگان‌های نظارتی و حمایتی ویژه نیز یا ایجاد نشده‌اند و یا مقررات مربوط به ایجاد آنها اجرایی و عملیاتی نشده است. از سوی دیگر مکانیسم‌های حمایتی کنوانسیون‌ها آنچنان سختگیرانه و مجدانه نیست، اگر چه در مواردی آنها توانستند در رابطه با حقوق کودکان در کشورها اقداماتی مختصر انجام دهند و همچنان نیز انجام می‌دهند، اما به دلیل عدم کارایی مکانیسم حمایتی اش، در بین دول چنان جدی گرفته نمی‌شود. زیرا مکانیسم آن به گزارش دهی و رایحه توصیه از سوی کمیسیون ختم می‌شود و استفاده از سایر مکانیسم‌ها و ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل مستقیماً قابلیت اعمال را ندارند، به دلیل اینکه گزارش کمیسیون به مجمع عمومی سازمان ملل رایحه می‌شود و متأسفانه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز جنبه توصیه دارد و الزام‌آور نیست. با این حال با توسعه روابط گوناگونی که بین کشورها وجود دارد، سعی شده تا قواعد حقوق بین‌الملل به طرق مقتضی عمل شود. این تضمین از طریق ضمانت اجرای سیاسی، ضمانت اجرای اقتصادی، ضمانت اجرای دیپلماتیک، افکار عمومی جامعه جهانی که در خصوص نقص حقوق بشر در یک کشور از سوی سازمان‌های بین‌المللی منتشر می‌گردد و جامع عمل به خود می‌گیرد. در این راستا پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود.

■ بازنگری در مواد قانونی که خشونت در خانواده را به طور صریح یا ضمنی تایید کرده و فرصت ارتکاب آن را فراهم می‌کنند، چرا تا زمانی که این تجدید نظر روی نداده است، تدوین قوانین حمایت کننده، بی اثر خواهد بود؛ از جمله پیشنهادهای مفید در این بخش می‌توان به حذف ماده ۱۱۷۹ قانونی مدنی در راستای جلوگیری از تنبیه بدنی (حذف قانونی تنبیه بدنی اطفال توسط والدین) و عدم تفسیر قضایی، قانونی و شخصی و سلیقه‌ای قضات و مجریان و والدین از واژه «تادیب» به طور موسع که عموماً آن را به معنی «تنبیه» تفسیر می‌نمایند اشاره نمود.

■ قانونگذار باید تدوین قانونی خاص با موضوع بزه دیدگی کودکان در خانواده را مورد توجه قرار دهد؛ این قانون باید مشتمل بر مواردی باشد که علاوه بر جرم انگاری خشونت‌های فیزیکی، به تعریف دقیق از خشونت روانی در خانواده و تعیین مصادیق خشونت‌های جنسی، مبادرت ورزد و اشکال شدید خشونت اقتصادی (ترک انفاق) را نیز در نظر داشته باشد.

■ ایجاد و تاسیس دادگاه اطفال به معنای واقعی و خاص کلمه، که علاوه بر رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی اطفال، به جرایم ارتكابی علیه آنان نیز رسیدگی کند و مسلط بودن قضات اطفال به علوم تربیتی در روانشناسی.

■ وجود مکان‌های امن برای نگهداری از کودکان آسیب دیده، می‌تواند در جهت احقاق حقوق کودکان و کاهش آزار و اذیت آنها بسیار مثرتر باشد. زیرا وقتی کودکی مورد تجاوز اولیای خود قرار می‌گیرد، در صورت وجود مکانی امن برای وی، دیگر مجبور به بازگشت به خانه خود و تحمل آزار بیشتر نیست. ❖

References:

- Agha Beiglui; Abbas va digaran, 1380, *Koodak azary*; Tehran: ketab Avand Danesh. (in Persian).
- Akherst, *Michael*, 1373, Hoghoogh Beinolmelal Novin, tarjome Mehrdad Seiyedi, Tehran, Daftare khademat Hoghooghi Beinolmelal , Chape awal. (in Persian)
- Anisi, Mohammadali, 1390, Hoghooghe Koodak va Vazaiefe Valedain az Didgahe Ghanone Madani, Tehran: Daneshgahe Azade Eslami Vahede Tehran Markaz. (in Persian)
- Ganji , Manochehr, 1348, *Hoghooghe Beinolmelale Omumi*, Tehran: Chap Daneshgah Tehran, (in Persian)
- Hojjatie Ashrafi, Gholamreza, 1381, Ghanoon Mojazate Eslami, Tehran: Entesharate Ketabkhane Ganje Danesh. (in Persian)
- Hoseinpoor, Nasrin va Baradaran, Morad, 1390, Barresiye Hoghooghe Koodak dar Iran, Tehran: Jameh Shenasi Iran , Nashre Iran. (in Persian)
- <http://www.irsprc.org/post/detail.aspx> (in English)
- Iravanian va Hamkaran, 1389, Koodak Azari: az Ellat Shenasi ta Pasokhdehi, Tehran: Entesharat Khorsandi. (in Persian)
- Jafari Langeroodi, Mohammad Jafar, 1381, Mabsut dar Terminology Hoghoogh, Jeld3, Tehran: Nashre Ganje Danesh. (in Persian)
- Jafari, Gholamreza, 1390, Layehe Hemayat az Koodakan va Nojavanan, <http://hemayataskudakan.persianblog.ir> (Persian)
- Mehrpoor, Hosein, 1377, Nezame Beinolmelali Hoghoogh Basher, Tehran, Entesharate Ettela`at. (Persian)
- Mosazade, Reza, 1376, *Kolliate Hoghooghe Beinolmelale Omumi*, Tehran: Entesharate Vezarate Omure Khareje, Chape awal. (in Persian)

Sergio Pinero, paulo, 1387, *Gozareshe Jahani dar Morede Khoshonat alayhe Koodakan*, Tehran: UNICEF (translated to persian by unicef). (Persian)

Waters H. et al, 2004, *The Economic Dimensions of Interpersonal Violence*. Geneva, *World Health Organization*.

Ziayi Bigdeli, Mohammad Reza, 1383, *Hoghoogh Beinolmelal Omumi*, Tehran: Ketabkhane Ganje Danesh. (Persian)

Articles

Ahmadi Alonabadi, S. Ahmad, Fatehizade, Maryam, Sadeghi, Hajar, 1378, "Hemayate Ejtemeyi va Salamate Jesm va Ravan", *Nashrieh Pazhuhash Daneshgahe Esfahan*. (in Persian)

Andrews G et al, 2004, "Child sexual abuse" in: Ezzati M et al, 2004, *Comparative Quantification of Health Risks: Global and Regional burden of disease attributable to selected major risk factors*, Vol. 2. Geneva: World Health Organization, pp. 1851-1940. (in English)

Heydari, Ali, 1389, "Tahavol Hoghoogh Koodak dar Eslam va Moghayese an ba Convansiuone Hoghooghe Koodak", *Fasnameh Pazhuoeshnameh Hoghooghi, Ordibehesht* 1389. (in Persian)

Mesbahi, Kamaloddin, 1386, "Nahad`ha va Sazokar`hay Sazemane Melale Mottahed baraye ertegha va Hemayat az Hoghoogh Basher", *Hoghoogh Beinolmelal va Iran*, Vol. 3, No. 3 (in Persian)

Moballeghi, Ahmad, "Zarorate Hemayat dar Ghalebe Layehe`y Hemayat az Khanevadeh", *Khaneh`y Mellat*, Shomareh`y 76605. (in Persian).